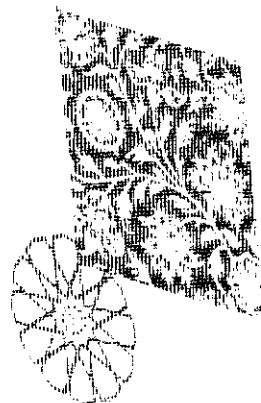


حدیث لوح فاطمه (س) و نهجته‌هایش در تشریح آن

حسین علی ترکمانی



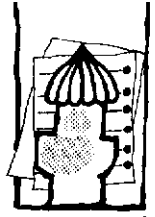
در کتاب کمال الدین و تمام النعمة (باب ۲۸) از محدث حلیل القدر «ابو جعفر محمد بن علی بن حسن بن بابویه قمی» مشهور به شیخ صدوق (م. ۳۸۱ هـ) روایاتی درباره لوح حضرت زهرا (س) آمده است که در آن لوح به نام و تعداد امامان (ع) اشاره شده است.^۱ در این مقال سه حدیث را یادآور می‌شویم و سپس به توضیح حدیث لوح می‌پردازیم.

حدیث اول

در روایت اول بر اساس نقل ابو بصیر چنین گزارش شده است:

«امام صادق (ع) فرمود: پدرم محمد بن علی الباقر (ع) روزی به جابر بن عبدالله انصاری گفت: جابر! سخنی با تو داشتم چه موقع فارغ بال می‌شوی تا درباره موضوعی با

۱. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ص ۳۰۸-۳۱۳؛ همان، تصحیح: حسین اعلی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ص ۲۹۰-۲۹۷ و نیز نک: الکافی، چاپ تهران، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳ و ص ۵۳۲، ح ۹؛ من لایحضره الفقیه، انتشارات اسلامی، ج ۴، ص ۱۸۰، ح ۵۴۰۸



تو سخن گویم؟ جابر به حضرت عرض کرد: هر وقت شما اراده کنید.»

فرستی پیش آمد و امام با جابر خلوت نمود و به گفتگو پرداختند. در این گفتگو امام از جابر خواست تا آنچه را که در جریان مشاهده لوحی که در دست جده اش حضرت فاطمه (س) دیده بود برای او بازگو کند و او را از آنچه حضرت فاطمه (س) از مطالب مکتوب در لوح به او خبر داده، آگاه کند.

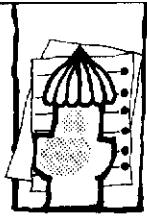
جابر پاسخ داد: «شهادت می هم که روزی در ایام حیات رسول الله (ص) مادرت فاطمه (س) را ملاقت کردم تا ولادت حسین [بن علی (ع)] را به او تبرک بگویم که در دستان آن بانوی بزرگ، لوح سبزینه را دیدم که گمان کردم زمرّد است؛ در آن لوح، کتاب سفیدی را که به درخشندگی خورشید بود مشاهده کردم. به آن حضرت عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو باد! این لوح چیست [و از کجا آمده است]؟

فاطمه (س) فرمود: «این لوحی است که خداوند - عز و جل - آن را به رسولش محمد مصطفی (ص) اهدا نمود. در این لوح نام پدر و همسر و فرزندانم [حسن و حسین (ع)] و نام اوصیا و امامانی که از نسل فرزندانم [حسن (ع)] هستند ذکر شده است. پدرم رسول الله (ص) آن را به من بخشیده است تا با نگاه کردن در آن دلم شاد شود».

جابر آنگاه ضافه نمود: «سپس مادرت فاطمه (س) آن لوح را در اختیار من قرار داد سپس آنچه در لوح نوشته شده بود خواندم و نسخه ای از آن را در ذهن نگاه داشتم [یا از روی آن نوشتم]».

امام صادق (ع) در ادامه روایت می فرماید:

«آنگاه پدرم به جابر فرمود: جابر! آیا آن نسخه هنوز هم در دست توست؟ آیا آن را بر من عرضه می کنی؟ جابر بن عبدالله گفت: آری. آنگاه پدرم با جابر همراه شد تا به منزل جابر رسیدند. جابر صحیفه ای از پوست نازک آورد، آن را گشود و به رؤیت پدرم رسانید. پدرم به جابر فرمود: جابر! حال به صحیفه ای که در نزد توست بنگر تا برای تو از حفظ بخوانم. جابر به نسخه ای که در دستش بود، نگریست پدرم تمام مطالب صحیفه را از حفظ برای جابر خواند. سوگند به خدا حرفی از کلام امام با حرفی از صحیفه ای که در



دست جابر بود مخالف نبود.

پس از آنکه قرائت امام به پایان رسید جابر گفت: خدای بزرگ را شاهد می گیرم که آنچه در صحیفه نزد فاطمه (س) دیدم همین بود که شما خواندید، اما متن این لوح طبق نقل چنین است:

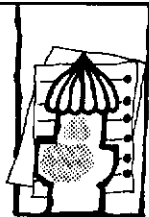
بسم الله الرحمن الرحيم

این کتابی است از سوی خداوند شکست ناپذیر و حکیم به محمد [ص] نور و فرستاده خدا و حجاب، دلیل و آیت او در زمین. این نوشته توسط جبرئیل امین از جانب رب العالمین آورده شد.

ای محمد [ص] اسماء الهی را بزرگ شمار، نعمتهایم را شکرگزار باش، هرگز نشانه هایم را انکار نکن. من پروردگار و معبود جهانیانم و جز من خدایی نیست؛ درهم کوبنده جباران و خوار کننده ستمگران و حسابرس روز جزایم. من همان الله و معبود شمایم که جز من الله و معبودی نیست. هر که به فضل کسی جز من امیدوار باشد یا از چیزی جز عدل الهی خوف داشته باشد، او را به عذابی سخت گرفتار خواهم ساخت که احدی از جهانیان آن را نچشیده است. سپس فقط مرا پرستش کن و بر من توکل نما. من هیچ رسولی را مبعوث نکردم و رسالت او را تکمیل ننمودم و دوران تبلیغ و رسالت او را به پایان نرساندم مگر اینکه برای او وصی یی قرار دادم.

[ای محمد (ص)] تو را بر تمام پیامبران برتری بخشیدم؛ وصی تو را نیز بر تمام اوصیا برتری دادم. سپس از وصی و جانشینت، تو را به وجود دو فرزند دلاور، حسن و حسین گرامی داشتم. بعد از پایان دوره [حیات و امامت] پدرش [علی (ع)] حسن را معدن علم خود و حسین را نگهبان و حافظ وحی خود قرار دادم؛ نعمت شهادت را به حسین بخشیدم و او را بدین سبب گرامی داشتم و برای او سعادت خواستم. حسین با فضیلت ترین کسی است که شهید گشت و در بین شهیدان بالاترین درجه و مقام را داراست؛ امامت و توحید تمام و کمال را با او همراه کردم، حج بالغه خود را نزد او قرار دادم؛ بر اساس [رضایت و غضب] اهل بیت و عترت او پاداش می دهم و طالعان و بدکاران را به سزای اعمال خوش می رسانم.

اولین فرزند و عترت حسین [ع]، [علی] سرور پرستندگان و زینت دوستان من است.



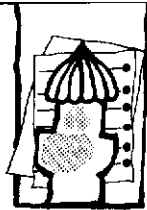
پس از او فرزندش که شبیه و همنام جدش است محمد، شکافنده علم الهی و معدن حکمت اوست. بزودی تردید کنندگان [در حقانیت] جعفر بن محمد هلاک خواهند شد؛ هر کس به او [و مکتب او] باز گردد، گویی به من [و دین من] باز گشته است.

سخن حق از من است: سوگند می خورم که منزلت دانش جعفر بن محمد [و هر آن که بر او ایمان آورد] را گرامی بدارم؛ محبت و عشق به او را در دل دوستان، شیعیان، پیروان و یارانش قرار خواهم داد، سپس فتنه کور و سیاه گمنامی و تقیه را از برابر امام موسی [ع] کنار خواهم زد؛ چرا که سیر فرمان و اطاعت الهی هرگز منقطع نخواهد شد و حجت و دلیل من از دید مردم پنهان نخواهد ماند و دوستانم هرگز تیره بخت نخواهند گردید.

[ای محمد به خلق بگو] اگر کسی یکی از حُجج مرا انکار کند، نعمتی را که داده ام انکار نموده است و هر که آیه ای از کتابم را تغییر دهد بر من تهمت بسته است. وای بر افترا زندگانِ انکارگر، آن زمان که دوران امامت بنده و دوست و برگزیده ام موسی [بن جعفر ع] به پایان رسد.

آگاه باشید! هر که هشتمین حجت مرا دروغ شمارد، گوئی همه اولیای مرا انکار نموده است. علی [بن موسی ع] دوست و یاور من [و رهبر شما] است و من ثقل علم و عصمت و صفات نبوت را در او قرار می دهم؛ توان او را در پاسداری از آن می آزمایم؛ عفریت ستمگر و متکبر او را می کشد و در شهری که عبد صالح ذوالقرنین ساخت دفن می شود.

سخن حق آن است که من بگویم: دیدگان موسی را با تولد فرزندش محمد و خلیفه و جانشین پس از او روشنی بخشیم. محمد [بن علی بن موسی الرضا ع] وارث علم و دانش من و معدن حکمت و جایگاه راز من و حجت من بر بندگانم است. بهشت را جایگاه او قرار دادم و او را شفیع هفتاد نفر از افراد خانواده [منسوبان او] که جهنم بر آنان واجب شد قرار دادم [پس از او] فرزندش علی [بن محمد بن علی بن موسی الرضا ع] دوست و یاورم را سعادتمند کردم؛ او امانت دار وحی من خواهد بود؛ از صُلب او، حسن [بن علی بن محمد] را بر خواهم آورد که دعوت کننده مردم به راه خدا و نگاهبان علم الهی است. آنگاه [پس از او] حجت خویش را با آمدن فرزندش [قائم آل محمد ع] که رحمت واسعه برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود. قدرت و کمال موسوی، عظمت و نور عیسوی و صبر



ایوب همه را در او می بینید؛ او در زمانی خواهد آمد که دوستان من خوار شده و چون مغولان و دیلمیان مشرک، سرافکنده گشته و به آتش کشیده می شوند، سرهای آنان به عنوان هدیه به اطراف و اکناف فرستاده می شود و ترسان و لرزان می شوند، زمین از خون آنان رنگین می شود و هلاکت و فریاد و شیون در بین زنانشان همه گیر می شود.

آنان بحقیقت حجت و اولیای من در زمین خواهند بود. به واسطه اینان هر فتنه کور و سیاه را از خلق دور خواهم ساخت و با آنها حرکت‌های ظریف و پنهان [معاندان دین الهی] کشف می شود و قید و بندها و زنجیرهای بندگی از دوش خلق برداشته می شود. صلوات و رحمت خداوند بر آنان باد! اینان همان هدایت یافتگانند.

حدیث دوم

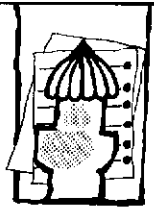
در روایت دوم بخشی از مضمون حدیث اول توسط امام باقر(ع) برای جابر جعفری نقل شده که آن امام همام به نقل از جابر بن عبدالله انصاری چنین می فرماید:

«جابر بن عبدالله انصاری گفت: روزی به منزل مولایم فاطمه(س) وارد شدم پیش او لوحی دیدم که از شدت روشنایی آن، چشم خیره می شد. در آن لوح نام دوازده نفر به چشم می خورد. سه اسم روی لوح، سه اسم داخل لوح، سه اسم در پایان لوح و نام سه نفر دیگر در کنار لوح بود. به آن حضرت عرض کردم: «اینان نام چه کسانی است؟» آن حضرت فرمود: «اینها نامهای اوصیا [پیامبر(ص)] است. اولین آن نام پسر عمویم و یازده نفر دیگر نام فرزندانم است که آخرین آنان قائم [آل محمد(ع)] است». آنگاه جابر اضافه کرد که در آن لوح نگرستم در سه جای آن نام محمد، محمد، محمد را دیدم و در چها جای دیگر آن نوشته شده بود: علی، علی، علی، علی.

حدیث سوم

شیخ صدوق به نقل از اسحاق بن عمار حدیثی از امام صادق(ع) نقل می کند که:

«امام خطاب به وی فرمود: اسحاق، آیا میل داری تو را بشارتی دهم؟ اسحاق گفت:



جانم فدای تو باد ای فرزند رسول خدا، آری، دوست دارم خیر را بشنوم.

حضرت فرمود: نزد ما صحیفه ای است که با املاي رسول خدا (ص) و خط

امیرالمؤمنین علی (ع) نوشته شده است. در آن صحیفه چنین آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من الله العزيز الحكيم، ...

آنگاه حدیث را تا پایان طبق شرحی که در حدیث اول آمد، ذکر نمود.

توضیح حدیث:

۱- حدیث لوح از معروفترین احادیث شیعه است که محدثان با استناد به آن مطالب

قابل توجهی را اثبات نموده اند از جمله:

الف- شیعه در زمان حیات پیامبر (ص) به نگارش و تدوین حدیث اهتمام ورزید، نخستین کتاب حدیث که در تاریخ حدیث شیعه شکل گرفت بنا به اظهار برخی محدثان، حدیث لوح فاطمه (س) و پس از آن مصحف فاطمه (س) و پس از آن صحیفه الجامعة علی (ع) است. این در حالی است که اهل تسنن به دلایلی از جمله نشر احادیث بی پایه ای مبنی بر ممنوعیت کتابت حدیث در زمان پیامبر (ص) در قرن اول هجری، از نگارش حدیث خودداری نمودند و با روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز (۹۸-۱۰۱ هـ) اجازه کتابت و تدوین حدیث به آنان داده شد.

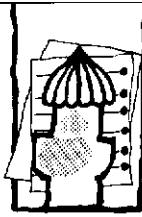
از صحیفه جامعه امیرالمؤمنین (ع)، کتاب علی (ع)، صحیفه فاطمه (س) و حدیث لوح که از نخستین آثار منظوم و مکتوب حدیث در تاریخ اسلام است، در منابع مهم حدیثی شیعه و اهل سنت نام برده شده است:

- بصائر الدرجات فی المقامات و فضائل اهل البیت، ابوجعفر محمد بن حسن بن

فروخ صفار (م ۲۹۰ هـ)، تصحیح، میرزا محسن کوچه باغی، [بی جا]، ص ۱۳۵-

۱۷۰؛ فضائل اهل البیت المسمی بـ بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تصحیح:

کوچه باغی، بیروت، مؤسسة النعمان، ص ۱۳۸- ۱۷۰،



۲- کتب اربعه:

الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹هـ)،

من لایحضره الفقیه، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی شیخ صدوق - (م ۳۸۱هـ)،
تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰هـ)،
الاستبصار فیها اختلف من الاخبار، شیخ طوسی.

- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰هـ)، تحقیق: سید

موسی شبیری زنجان، قم، انتشارات اسلامی، ص ۳۶۰.

- منابع حدیثی اهل سنت: ۳

مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱هـ)،

صحیح بخاری (م ۲۵۶هـ)،

سنن ابن ماجه (م ۲۷۵هـ)،

سنن ابی داود (م ۲۷۵هـ)،

سنن نسایی (م ۳۰۳هـ).

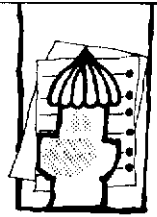
در اصول کافی^۴ روایتی است که گزارش می دهد، اصحاب امام صادق (ع) از آن

۲. از کتب اربعه بنگرید به المعجم المفهرس لاحادیث الکتب الاربعه، ذیل ماده های: فالجامعة،
الصحیفة، مصحف، کتاب علی، لوح؛ و نیز برنامه های رایانه ای.

برای نمونه از ماده «کتاب علی»، نک: الکافی، چاپ تهران، ج ۱، ص ۴۱، ح ۱ و ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۲۲
و ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۶ و ج ۴، ص ۳۴۰، ح ۷ و ج ۵، ص ۱۳۵، ح ۵ و ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۱ و ج ۷،
ص ۴۰، ح ۲؛ من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ج ۲،
ص ۳۳۸، ح ۲۶۱۴ و ج ۳، ص ۳۲۹، ح ۴۱۷۶ و ج ۴، ص ۷۴، ح ۵۱۴۸؛ تهذیب الاحکام،
تصحیح: سید حسن موسوی خراسان، بیروت، دارصعب - دارالتعارف، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۳۸ و
ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲۵۰؛ الاستبصار، تصحیح: محمد جعفر شمس الدین، بیروت، دارالتعارف،
ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۷ و ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۳ و ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۵ و ج ۴، ص ۵۹، ح ۳ و ۵؛ برنامه
رایانه ای کتب اربعه (نور)، عبارت «کتاب علی» را در یکصدوسی مورد نشان می دهد.

۳. درباره صحیفة امیرمؤمنان (ع) در منابع اهل سنت، بنگرید به: فصلنامه علوم حدیث، ش ۳، بهار ۷۶،
ص ۴۱، مقاله: صحیفة امیرمؤمنان (ع) و نیز نک: سنن ابن ماجه، کتاب الدیات، شماره ۲۶۵۸

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱



حضرت درباره مصحف فاطمه (س) سؤال می کنند و امام وجود آن را تایید می کند و درباره آن سخن می گوید .

ب . راوی حدیث لوح ، جابر بن عبدالله انصاری است که پس از رؤیت حدیث در نزد فاطمه (س) از روی آن نسخه ای نوشت و همانطور که قبلاً بیان شد برای امام باقر (ع) نقل نمود .^۵

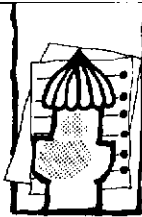
۲- درباره نابینا بودن جابر بن عبدالله و چگونگی رؤیت حدیث لوح و استنساخ آن ، مصحح کتاب کمال الدین و تمام النعمه جناب استاد علی اکبر غفاری توضیحی به شرح زیر دارد :

باید اظهار داشت جابر پس از زیادت اربعین در مدینه به ملاقات امام محمد باقر (ع) رسید . گفته شده است جابر هنگام زیارت اربعین نابینا بوده چگونه امکان داشت حدیث لوح و صحیفه فاطمه (س) را ببیند .
در این باره دو پاسخ مطرح می شود :

یک . جریان رسیدن جابر به مزار امام حسین (ع) و سراسیمه شدن او و افتادن او بر قبر حسین بن علی (ع) که عطیه ، یار و همراه دانشمند جابر تعریف نموده ، هیچ گونه دلالتی بر نابینایی جابر نمی کند بلکه دلالت بر آن دارد که جابر بر اثر حزن و اندوه که در شهادت امام حسین (ع) بر او عارض شده و گریه های فراوانی که بر این مصیبت نمود - خصوصاً هنگام تلاش و جستجو به دنبال کشف مزار حسین (ع) - چشمان او اشک آلود و تار شده ، به گونه ای که اطراف خود را دقیق نمی دید .

دو . اگر خبر نابینا بودن جابر صحت داشته باشد ، نابینایی در اواخر عمر او اتفاق افتاد و هنگام تشرف به حضور صدیقه طاهره فاطمه الزهراء (س) بینا بوده است و صحیفه را دیده و از حضرت درباره مطالب آن سؤال نموده و آن را نوشته است .

۵ . برای کسب اطلاع بیشتر از نام و محتوای و کیفیت نگارش نخستین صحیفه های حدیثی در زمان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به مقاله تاریخ تدوین حدیث ، نوشته استاد علی اکبر غفاری در پایان کتاب تلخیص مقباس الهدایة ، مراجعه شود .



۳- جابر در سن نود و چهار سالگی بین سالهای ۷۴ تا ۷۸ هجری در مدینه وفات یافت.

ابن قتیبہ فوت او را در سال ۷۸، ابن سعد فوت جابر را به سال ۷۳ و ابن عبد البر به سال ۷۴ و به روایت دیگر سال ۷۷ گزارش نموده است. در هر حال فوت جابر قبل از وفات امام محمد باقر (ع) بوده است. ولادت امام صادق (ع) سال ۸۳ هجری و وفات امام باقر (ع) سال ۱۱۴ هجری بوده است.

جابر از آخرین اصحاب پیامبر (ص) بود که عمر طولانی یافت و با علم غالب می توان وفات او را پس از فوت دیگر اصحاب پیامبر (ص) دانست.

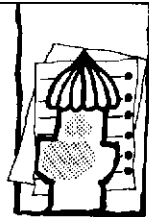
۴- در ظاهر چنین به نظر می رسد که امام باقر (ع) تا قبل از ملاقات جابر و استماع حدیث لوح از جابر، از وجود این حدیث بی اطلاع بوده، اما همان طور که در پایان حدیث تصریح دارد، امام به جابر فرمود:

یا جابر انظر انت فی کتابک لا قراة انا علیک، فنظر جابر فی نسخه فقر ا علیه ابی (ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین) فوالله ما خالف حرف حرفاً.

نکته دیگر آنکه صحیفه فاطمه (س) و صحیفه جامعه امیرالمؤمنین (ع) به عنوان میراث امامت پس از شهادت امیرالمؤمنین (ع) در اختیار امام حسن (ع) و سپس در اختیار امام حسین (ع) و آنگاه دست بدست در اختیار ائمه بعد قرار گرفت و در موارد ضروری، ائمه هنگام نقل حکم خاصی آن را می گشودند و جواب پرسشهای اصحاب خود را می دادند. گفته شده است که طول صحیفه جامعه هفتاد ذراع (سی و سه متر) و ضخامت آن در هنگام بسته بودن و پیچیده بودن باندازه ضخامت ران شتر دو کوهانه بوده است.^۶

قطعاً امام باقر (ع) از حدیث لوح اطلاع داشته و علاوه بر آن حضرت، جابر نیز افتخار استماع و نقل حدیث لوح را به دست آورد و قطعاً به عنوان دلیلی روشن در تأیید امامت ائمه اطهار (ع) مسلمانان آن دوره را از مضمون آن آگاه ساخته است.

۵- مهمترین موضوعاتی که حدیث لوح، به آن دلالت دارد عبارت است از:



۱. تنصیب به امامت ائمه اثنی عشر (ع).

۲. پیش‌بینی برخی حوادث که همزمان با حیات ائمه اتفاق خواهد افتاد. از جمله علم امام، چگونگی شهادت امام، محل شهادت امام و نوع برخوردهای مخالفان و معاندان با امام.

۳. توصیف خصوصیات ظاهری و معنوی امام مهدی (عج) و بیان وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ظهور و نیز وقایع و اصلاحات اجتماعی که پس از ظهور آن حضرت اتفاق خواهد افتاد.

۴. تمام امامان روح واحدی هستند در کالبدهای مختلف. اهداف آنان منطبق بر یکدیگر و عالی‌ترین مقصد آنان سعادت بشر از طریق پرستش صحیح خدای واحد و بکار بستن عقل و درایت به منظور بهبود وضعیت زندگی و رسیدن به کمال است، هر چند روش‌های عملی آنان به دلیل تنوع و تفاوت شرایط و مقتضیات زمان و مکان متفاوت بوده باشد. لذا راه سعادت در پذیرش امامت هر دوازده امام معصوم است. توقف بر یکی از ائمه به معنای انکار و نادیده گرفتن بقیه ائمه خواهد بود و حتی انکار امام متوقف‌علیه رانیز بدنبال خواهد داشت. در حدیث لوح می‌فرماید:

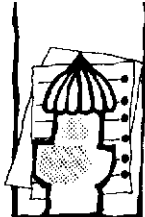
إِنَّ الْمَكْذِبَ بِالثَّامِنِ مَكْذِبٌ بِكُلِّ أُولَیائِی.

۵. اکمال سلسله جلیله امامت به وجود حضرت حجت (ع) است و لذا فرموده است:

ثُمَّ اكْمَلْ ذَلِكَ بِابْنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ...

کمال هر چیزی رسیدن به مرحله‌ای از رشد و تعالی است که در آن غرض اصلی آن موجود تحقق یابد، مثلاً این آیه شریفه که: «عذاب کامل بدکاران در روز رستاخیز داده می‌شود»^۷، این نکته را را خاطر نشان می‌سازد که کمال عقوبت در قیامت است، همان‌طور که کمال پاداش صالحان در قیامت است.

براساس توضیح فوق، تحقق اهداف اصلی امامت تام‌ائمه در امامت حضرت



مهدی (عج) خواهد بود؛ همان طور که امامت حضرت امیرالمومنین علی (ع) اکمال رسالت رسول الله (ص) است: **الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ...**^۸؛ چنانکه می دانیم مفسران و مورخان بسیاری از عامه و خاصه نزول آیه فوق را در واقعه حجة الوداع و معرفی امام علی (ع) به عنوان وصی و خلیفه پیامبر و امام مسلمانان می دانند.

امامت حضرت مهدی (ع) چه در غیبت صغرا و چه در غیبت کبرا، تکمیل کننده و به ثمر رساننده امامت یازده امام پیشین (ع) است.

۶. امامت حضرت مهدی (عج) فقط مخصوص مسلمانان یا شیعیان نیست بلکه امامت آن حضرت رحمت گسترده ای است که همه مردم را فرا می گیرد. در حدیث لوح از وجود آن حضرت به **رحمة للعالمین** تعبیر شده است و در سایه حکومت و امامت ایشان همه مستضعفان به حقوق خود می رسند؛ حق همه افراد از غاصبان ستانده و به ایشان بازگردانده می شود:

الْمَلِكُ يُؤْتِيهِ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ.

۷. حدیث لوح را علاوه بر شیخ صدوق، شیخ کلینی در کافی، نعمانی در الغیبة، علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگران نیز نقل کرده اند.

۸. هنگامی که جابر بن عبدالله چگونگی رنگ صحیفه ای را که نزد فاطمه (س) بود، برای امام باقر (ع) توصیف می کرد گفت:

و رَأَيْتُ فِي يَدِهَا لَوْحًا اخْضَرُ ظَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ زُمْرٍ.

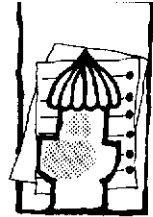
فیض کاشانی در کتاب شافی پس از نقل حدیث لوح، در تعریف کلمه **اخضر** می گوید:

لوح **اخضر** از عالم ملکوت برزخی رسیده بود و سبز بودن رنگ لوح کنایه از سفید و روشن بودن نور عالم جبروت و آمیخته شدن به رنگ سیاه عالم ماده یا عالم شهادت است، اما نوشته های این لوح، سفید است، زیرا این نوشته ها از عالم اعلی که نور محض است فرستاده شده بود.^۹

۹. در آغاز حدیث لوح وجود شریف پیامبر اکرم (ص) توصیف به حجاب شده است:

۸. مائده، آیه ۳

۹. به نقل از پاورقی کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۶۲



هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَنُورِهِ وَحِجَابِهِ وَسَفِيرِهِ...

علامه مجلسی درباره حجاب بودن پیامبر (ص) توضیحی دارد:

کلمه و وصف «حجاب» از این جهت بر رسول الله (ص) اطلاق شده است که آن

حضرت واسطه بین خداوند و خلق بوده است، یا به این اعتبار که رسول

الله (ص) دارای دو مقام و وجهه بود: مقامی نزد خداوند و مقامی نزد مردم.^{۱۰}

۱۰. در متن حدیث لوح آمده است:

فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَدْلِي عَذَابُهُ عَذَابٌ لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ .

از عبارت غیر فضلی دو مطلب متفاوت قابل برداشت است. اول: به فضل کسی جز

خدا امیدوار بودن؛

دوم: به جز فضل خدا به دیگر صفات الهی امیدوار بودن.

از ظاهر لفظ چنین بر می آید که برداشت اول صحیح باشد که در آن صورت نتیجه امید

به فضل دیگران، باعث عذاب الهی و نافرجامی و ناکامی در تحقق اهداف عالی زندگی

است. اما بیانی از علامه مجلسی نقل شده است که مطلب دوم را صحیح می داند. از بیان

او چنین استنباط می شود که پاداشی که خداوند به انسان می دهد دو نوع است: اول ثوابی

که نتیجه عمل آدمی است؛ دوم پاداشی که ارتباط به عمل آدمی ندارد و ناشی از فضل الهی

است. ثوابی را که ناشی از فضل الهی است، نمی توان حتی یک دهم مکافات عمل خود

خواند و اگر معیار ثواب و عقاب الهی را فقط عمل آدمی فرض کنیم، استحقاق هیچ گونه

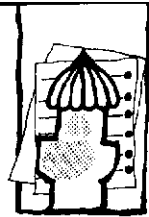
پاداشی که نتیجه فضل خدا بر او باشد، موجود نیست بلکه اگر پاداشی هست همان است

که برای اعمال خود ستانده است. پس باید پذیرفت که بخش زیادی از پاداش الهی بر

بندگان، از منبع پر فیض فضل الهی است هر چند خداوند ضرورتاً مطابق وعده و وعیدی

که به بندگان داده آنها را ثواب و عقاب می دهد، مع الوصف باید پذیرفت وعده ها و

وعیدهای او نیز برخاسته از فضل اوست. با این توضیح، هر چند از ظاهر لفظ حدیث



چنین بر می آید که منظور، امیدوار شدن به فضل کسی جز خداوند سبحان است، اما باید دانست که امیدوار شدن به فضل دیگران جز فضل خدا، مستحق عذاب و عقاب نیست، اگر چه از ظاهر الفاظ حدیث چنین برداشت شود.

اما اینکه فرمود او خاف غیر عدلی، مؤید مطلب پیشین است و از آن چنین استنباط می گردد که خوف بندگان از خداوند در واقع خوف از عدل الهی است و براساس عدل او مجازات طبیعی - که نتیجه عمل انسان است - بر انسان سنگین خواهد بود و اگر خداوند به عدل خود اعمال بندگان را محاسبه نماید، کار بر آنان بسیار سخت و تنگ خواهد آمد، لذا شایسته است بیشترین و بلکه تمام هراس آدمی از عدل خداوند باشد و به فضل او امیدوار گردد.

۱۱. در متن حدیث و در توصیف حسین بن علی (ع) آمده است: ... جَعَلْتُ كَلِمَتِي الثَّامَةَ مَعَهُ، طبق روایتی که از امام علی بن موسی الرضا (ع) رسیده منظور از کلمه ثامه، امامت است. ۱۱

قرآن، تولد شگفت انگیز عیسی (ع) از مریم (س) را به فرمان الهی نسبت می دهد و در توصیف عیسی (ع) می فرماید:

مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ^{۱۲}

و در جای دیگر فرمود:

... اِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُوْلُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أُلْقِيَهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوْحٌ مِنْهُ ...^{۱۳}

و درباره حضرت ابراهیم (ع) می فرماید:

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ^{۱۴}

در توضیح این آیه صاحب مجمع البحرین^{۱۵} حدیثی نقل می کند که در آن منظور از

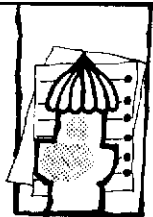
۱۱. نک: مقدمه تفسیر مرآة الانوار.

۱۲. آل عمران، آیه ۳۹

۱۳. نساء، آیه ۱۷۱

۱۴. زخرف، آیه ۲۸

۱۵. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۵



کلمة باقية، امامت و منظور از عقبه، نسل و فرزندان حسین بن علی (ع) دانسته شده است؛ این امامت تا قیامت ادامه دارد و کسی حق اعتراض نخواهد داشت که چرا امامت در نسل حسین بن علی (ع) نهاده شده نه نسل حسن بن علی (ع)، زیرا خداوند در انجام افعالش حکیم است:

لَا يُسَالُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْتَلُونَ.^{۱۶}

کلمة تامة یعنی «تمام و کمال از هر چیزی» و عبارت جَعَلْتُ کلمتی التامة فی عقبه، یعنی: «امامت را به طور تمام و کمال در نسل حسین بن علی (ع) قرار دادم.»

۱۲. منظور از ذوالقرنین در عبارت: يُدْفَنُ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ ذَوَالْقَرْنَيْنِ به احتمال زیاد، کورش کبیر است. و منظور از سرزمین، سرزمین ایران (طوس) است.

البته در اینگونه مقایسه های تاریخی و بویژه درباره قصص قرآن، با قاطعیت نمی توان تعیین مصداق کرد اما چنانچه ملاحظه می شود... نظریه ای که مراد از ذوالقرنین قرآن، کورش کبیر باشد، نظریه ای معقول و محتمل الصدق است.^{۱۷}

۶- حدیث لوح از طرق مختلف و با اندک اختلاف در بعضی الفاظ، در جوامع و مجامع حدیث نقل شده است، نگارنده در انتخاب طریق، سندی را که شیخ صدوق تا امام صادق (ع) ثبت نموده، انتخاب کرده و آن چنین است:

قال: حدثنا ابي و محمد بن موسى بن المتوكل و محمد بن علي ماجيلويه و احمد بن علي بن ابراهيم و الحسن بن ابراهيم بن ناتان و احمد بن زياد الهمداني - رضی الله عنهم - قالوا:

حدثنا علي بن ابراهيم، عن ابيه ابراهيم بن هاشم، عن بكر بن صالح، عن عبدالرحمن بن سالم، عن ابي بصير، عن ابي عبدالله - عليه السلام - قال: قال ابي جابر بن عبدالله الانصاري: ...

۱۶. انبياء، ۲۳

۱۷. فصلنامه بینات، ش ۱۴، ص ۱۰۵-۱۰۹